

جلسه ۵: تثنیه ۹-۱۱

دکتر سینتیا پارکر

من دکتر سینتیا پارکر هستم و در مورد کتاب تثنیه تدریس می‌کنم. این جلسه ۵، تثنیه ۹ تا ۱۱ است.

مقدمه: تثنیه ۹-۱۱: ریاضی، شعر و تقویم

خب، در این سخنرانی، کمی ریاضی و کمی شعر خواهیم خواند. دوباره به تقویم نگاه می‌کنیم و بعد در مورد پاسخ مناسب صحبت می‌کنیم. می‌دانم که خیلی هیجان‌زده هستید. ریاضی و شعر، چه کسی عاشقش نیست درست است؟ بنابراین ما فصل‌های ۹ تا ۱۱ را انجام می‌دهیم. من چیزهایی را از تثنیه بیرون می‌کشم که فکر می‌کنم با اندیشه تثنیه سازگار هستند، اما ما آن را در قالب ریاضی و شعر و کار تقویم قرار می‌دهیم زیرا آن را کمی جالبتر و سرگرم‌کننده‌تر می‌کند.

تثنیه ۹: پارسایی ما = پیروزی [نادرست]

ما ابتدا با تثنیه ۹ شروع می‌کنیم. بنابراین، تثنیه ۹ بخش ریاضی ما خواهد بود. بخشی از کاری که تثنیه انجام می‌دهد، چیزی است که قبلاً کمی در مورد آن شنیده‌ایم، اما اکنون بسیار صریح‌تر خواهد بود. یک معادله ریاضی وجود دارد که در این خطبه، موسی به مردم می‌گوید؛ این ریاضی با هم جور در نمی‌آید. بنابراین این چیزی است که مردم فکر می‌کنند. من فرمول نادرست را به شما می‌دهم، و سپس سعی می‌کنیم بفهمیم فرمول صحیح در واقع چیست. در این خطبه، موسی می‌گوید، عدالت من یا عدالت مردم، به علاوه شرارت ملت‌ها برابر است با پیروزی ما وقتی که وارد سرزمین می‌شویم. و این چیزی است که موسی می‌گوید؛ این اصلاً درست نیست.

بنابراین، من قصد دارم خواندن تثنیه ۹ را شروع کنم؛ این فصل با چیزی شروع می‌شود که از قبل برای ما بسیار آشناست، یعنی شما اسرائیل، «بشنو ای اسرائیل. تو امروز از اردن عبور می‌کنی تا وارد شوی و ملت‌هایی را که از تو بزرگتر و قدرتمندترند، شهرهای بزرگی که تا آسمان مستحکم شده‌اند، مردم، باغ‌ها، خانه‌ها» را تصرف کنی. این چیزی است که تو وارد آن می‌شوی. حالا، مراقب باش زیرا این فرمول نادرست است.

بنابراین به آیه ۴ می‌روم. «در دل خود مگو که چون یهوه، خدای تو، ایشان را به سبب پارسایی من از پیش تو بیرون راند، پس خداوند مرا برای تصرف این سرزمین آورده است. بلکه به سبب شرارت این قوم‌هاست که خداوند ایشان را از پیش تو بیرون می‌کند. به سبب پارسایی تو یا به سبب پاکی دل تو نیست که تو سرزمین

ایشان را به تصرف در آوری. به سبب شرارت آن قوم‌هاست که یهوه، خدای تو، ایشان را به ایشان می‌دهد یا از پیش تو بیرون می‌کند تا سوگندی را که خداوند برای پدرانت، ابراهیم، اسحاق و یعقوب، یاد کرده بود، استوار سازد. پس بدان که این به سبب پارسایی تو نیست

خب، ما این را بارها شنیده‌ایم، و شما می‌روید. باشه، آره، آره، باشه. می‌فهمم. به خاطر ما نیست. و اگر آن تکراری که سه بار شنیده‌ایم کافی نیست، موسی سپس وارد یک سخنرانی طولانی و طولانی می‌شود او، راستش، آره. یادتان هست در حوریب، وقتی که من در کوه سینا بودم، و من در بالا بودم، و در واقع وقتی» که در حال تبدیل شدن به یک ملت رسمی هستیم، این عهد را دریافت می‌کنم، و ما این قرارداد را با خدا، این عهد، ازدواج را با خدا امضا می‌کنیم. آن روز را یادتان هست؟ بله. یادتان هست وقتی این کار را کردم، و پایین آمدم و شما در حال پرستش گوساله طلایی هستید؟ پس، به یاد داشته باشید، این پارسایی شما نیست که به شما اجازه ورود می‌دهد.

بنابراین این فرمول ریاضی نادرست است زیرا اگر به این فرمول ریاضی تکیه کنید، سرخوشی، پیروزی منجر به این خودکفایی خیالی می‌شود. و این مشکل‌ساز خواهد بود زیرا وقتی وارد سرزمین می‌شوید در نهایت فکر می‌کنید که خودکفا هستید. و اگر خودکفا باشید، همه چیز بر اساس اعمال، کردار، قدرت و توانایی شماست. بنابراین این فرمول ریاضی نمی‌تواند صحیح باشد. اینطور نیست. این شرارت کنعانیان است، اما این در واقع ثابت نمی‌کند که شما صالح هستید. بنابراین اگر چه تثنیه مدام می‌گوید که خدا کنعانیان را بیرون خواهد کرد، خدا به عنوان جنگجوی بزرگ پیشاپیش شما می‌رود زیرا آنها شرور هستند، اما این به این معنی نیست که شما فقط به این دلیل که اتفاقاً جای آنها را می‌گیرید، صالح هستید. بنابراین، رفتن شما به سرزمین به معنای صالح بودن شما نیست.

بنابراین، گذشته‌ی خود را به خاطر داشته باشید؛ این را به ذهن خود بسپارید که در گذشته اشتباهاتی مرتکب شده‌اید، با این حال خدا به قوم خود وفادار است.

خب، پس فرمول ریاضی صحیح چیست؟ خب، طبق تثنیه ۹، ریاضی صحیح، وفاداری خداست. همچنین این واقعیت است که شرارت ملت‌ها، به همین دلیل است که شما پیروز می‌شوید. بنابراین، فصل ۹ مردم را به فروتنی زیاد فرا می‌خواند. آنها ممکن است به سرزمینی که قرار است بروند بروند و چیزی را در اختیار داشته باشند که پتانسیل زیادی برای تبدیل شدن به مکانی پررونق و شگفت‌انگیز برای سکونت خدا با قومش دارد. اما این به این دلیل نیست که آنها شایسته آن هستند. اکنون، آنها هنوز هم ممکن است آن را به عنوان یک

هدیه دریافت کنند، اما خدا همچنین قوم خود را فرا خواهد خواند تا در قبال هدیه‌ای که به آنها داده است، مسئول باشند.

تثنیه ۱۰:۱۲ شعر: این قوانین برای چیست؟

خب، با این اوصاف، به فصل دهم می‌رسیم. وقتی به تثنیه ۱۰ می‌رسیم، این بخش شعر ما خواهد بود. من در واقع فقط روی چند آیه از ۱۲ تا ۲۲ فصل ۱۰ تمرکز خواهم کرد. من واقعاً این بخش را دوست دارم، و باز هم، به عنوان کسی مثل شما، شما در حال مطالعه کتاب تثنیه هستید و ما آماده می‌شویم تا به مجموعه قوانین پردازیم، و همه این قوانین مختلف وجود دارد. اگر به عهد عتیق نگاه کنیم و بگوییم، آیا می‌توانیم آن را به چیزی خلاصه کنیم؟ در سخنرانی قبلی، بررسی کردیم که چگونه می‌توانیم آن را به شما خلاصه کنیم، بنابراین "ای اسرائیل بشنو، خداوند، خدای ما، خداوند واحد است." می‌توانیم آن را به این خلاصه کنیم.

اینجا در فصل ۱۰، تثنیه گزینه دیگری را پیش روی ما قرار می‌دهد. می‌توانیم آن را به چه چیزی خلاصه کنیم؟ قلب خدا چیست؟ همه این قوانین برای چیست؟ هدف پشت آن چیست؟ خب، ما این را در فصل ۱۰ می‌بینیم.

حالا اسرائیل، یهوه خدای تو از تو چه می‌خواهد؟» سوال خوبی است. و پاسخ این است: «از یهوه» خدای خود بترس تا در تمام راه‌های او گام برداری. او را دوست بدار و با تمام دل و جان خود به یهوه خدای خود خدمت کن.

این خیلی شبیه به شما در فصل ۶ به نظر می‌رسد. این ایده همین است، اگر همه چیز را خلاصه کنیم. چیست؟ خدا چه می‌خواهد؟ از او بترسید، او را دوست داشته باشید و انجامش دهید.

بنابراین، آیه ۱۳ می‌گوید: «و احکام و فرایض خداوند را که امروز برای خیریت شما به شما امر می‌کنم، نگاه دارید».

خدای متعال آنها را دوست خواهد داشت (تثنیه ۱۰: ۱۴-۱۵)

حالا چیزی که من به طور کلی شعر می‌نامم این است؛ بیشتر به دنبال موازی‌سازی هستیم. بنابراین وقتی به زبان عبری نگاه می‌کنیم، و عبری می‌خوانیم، چیزی که با زبان کار می‌کنید واقعاً خوب است، این تکرار عالی است. در تکرار، قلب کلیدی چیزی را که نویسنده سعی در انتقال آن دارد، پیدا می‌کنید. بنابراین تکرار خسته‌کننده نیست. تکرار، قلب پیام را محکم می‌کند. بنابراین، ما این موازی‌سازی را در تکرار در اینجا در فصل ۱۰ پیدا می‌کنیم. این را با من دنبال کنید. بنابراین، اگر با نحوه شعر گفتن در انگلیسی آشنا باشید، گاهی

وجود دارد. و سپس شاید سطر چهارم مفهوم بسیار **c** و **b** و **a** اوقات سطرها را تقسیم می‌کنیم. می‌گوییم سطر را می‌گوییم، اما دقیقاً کلمه به کلمه یکسان نیست **"a"** داشته باشد. و بنابراین، ما **"a"**، مشابهی با سطر اول است. این چیزی است که ما اینجا پیدا خواهیم کرد. بنابراین، با من همراه شوید، و من **"a"** بنابراین می‌گوییم سعی می‌کنم آن را روی صفحه نمایش بسیار واضح کنم.

بنابراین، در آیه ۱۴، به این جمله می‌رسیم: «اینک، آسمان و بلندترین آسمان‌ها، زمین و هر آنچه در آن است، از آن خداوند، خدای توست.» این بسیار باشکوه است. این از آن خداست، خدای آسمان‌ها و آسمان‌های آسمان‌ها. چقدر می‌توانیم باشکوه‌تر و بزرگ‌تر باشیم؟ و این فقط آسمان آسمان‌ها نیست، بلکه زمین و هر آنچه در آن است. این همه چیز را شامل می‌شود. خدا بر فراز همه اینها قرار دارد. بنابراین، این یک روش بسیار باشکوه، برای توصیف خداست. بنابراین، با این توصیف از اینکه خدا کیست، آسمان‌ها و آسمان‌های فراتر از آسمان‌ها این خدا در آیه ۱۵ چه می‌کند؟ و با این حال، این خدای باشکوه: «اما خداوند بر پدران شما مهر ورزید تا آنها را دوست بدارد، و پس از آنها فرزندان آنها را برگزید، حتی شما را از همه مردم، همانطور که امروز هستید

پس، خدایی که فراتر از آسمان‌ها، آسمان‌های آسمان‌ها و زمین و هر آنچه بر روی آن است، این خدای باشکوه چه کرد؟ او شما را برگزید. او اجداد شما را برگزید. و اگر شما دریافت‌کننده آن لطف، مهربانی، عشق پایدار و ناخوشایندی هستید که خدا همیشه انجام می‌دهد. او آن را به شما داده است. بنابراین، او محبت خود را بر اسرائیل نهاده است.

پاسخ به محبت بی‌کران خدا (تثنیه ۱۰:۱۶) - ختنه قلب

خب، پاسخ چیست؟ پاسخ در آیه ۱۶ آمده است. و بنابراین، چون خدا اسرائیل را برگزیده است، «دل خود را ختنه کنید و دیگر گردن خود را سخت نکنید.» بنابراین، ختنه، البته، ته رنگ عهد و پیمان دارد. ختنه نشانه‌ای از عهد با خداست. اما این فقط ختنه فیزیکی نیست؛ بلکه برداشتن لایه سخت‌تر اطراف قلب شماست تا به خدا پاسخگو باشید. بنابراین، در این سه آیه اول که به آنها نگاه می‌کنیم، خدایی را می‌بینیم که از آسمان‌ها و مالک زمین است. او محبت خود را بر اسرائیل نهاده است. این خدای باشکوه اسرائیل را برگزیده است، بنابراین پاسخ آنها باید ختنه کردن قلبشان باشد.

تثنیه ۱۰:۱۷

حالا می‌خواهیم به فکر موازی برسیم. بنابراین، وقتی به خواندن ادامه می‌دهیم، به آیه ۱۷ می‌رسیم. زیرا خداوند، خدای شما خدای خدایان و پروردگار اربابان است، خدای عظیم، توانا، مهیب، که خصیصه» خاصی نشان نمی‌دهد و رشوه نمی‌گیرد.» خب، برخی از این کلمات، چیزهایی مانند «خدای خدایان، پروردگار اربابان»، عناوین بسیار رایج و باستانی خاور نزدیک هستند. پادشاهان این عناوین را برای خود انتخاب می‌کردند. آنها به پانتئون خدایان خود فکر می‌کردند، و یک خدای خدایان وجود داشت؛ پادشاهان پروردگار «a» اربابان بودند، درست است؟ این یگانه، تنها، باشکوه‌ترین است. بنابراین، اکنون می‌توانید ببینید که ما داریم. ما از خدا نقل قول نمی‌کنیم، که از آسمان‌ها در بالاترین آسمان‌ها است، اما ما هنوز به یک حاکم بسیار، باشکوه، یک نوع زبان پویا برای خدا فکر می‌کنیم. خدا خدای خدایان، پروردگار اربابان، بزرگ، قدرتمند، مهیب است. بنابراین دوباره، زبانی بسیار کامل، غنی و قدرتمند برای توصیف خدا

تثنیه ۱۸:۱۰ عدالت خدا برای بیوه زنان، یتیمان و غریبان

خب، نکته دوم ما این است که در دو آیه اول، توصیفی از خدا و عملی از او داریم؛ توصیف دیگری از خدا داریم. قرار است به عمل دیگری از خدا بپردازیم.

بنابراین، آیه ۱۸: «او عدالت را برای یتیمان و بیوه‌زنان اجرا می‌کند و با دادن غذا و لباس به غریبان، محبت خود را به آنها نشان می‌دهد.» چه خدای باشکوه‌ی، و با آن چه می‌کند؟ جایی که پادشاهان خاور نزدیک باستان آن قدرت را به خود جذب می‌کردند. خدا نیز همین نوع عنوان را دارد، اما چه می‌کند؟ اما او از مردم حاشیه، مردم جامعه که نمی‌توانند از خود محافظت کنند، محافظت می‌کند. بنابراین، می‌توانید یتیم، بیوه و کسانی را که خارج از روال عادی جامعه هستند، داشته باشید. بیگانه، خارجی که در میان شماست، به او غذا و لباس بدهید و مایحتاج اولیه را فراهم کنید.

پاسخ: تثنیه ۱۹:۱۰

بنابراین، اگر الگوی قبلی را دنبال کنیم، توصیفی از خدایی بسیار باشکوه در عمل داریم. حالا نوبت پاسخ است. ما توصیف دیگری از خدا داریم، حاکمی بسیار باشکوه که با اعمالش، که پر از فروتنی و مراقبت است، القاب سلطنتی می‌دهد. و بنابراین، پاسخ شما به آن چیست؟

«بنابراین، به آیه ۱۹ می‌رسیم.» پس به غریب محبت کنید، زیرا شما در سرزمین مصر غریب بودید. بنابراین، در پاسخ چه باید بکنید؟ شما همچنین به غریبی که در میان شماست اهمیت می‌دهید. حال، این برای من واقعاً جالب است زیرا اگر به دو نکته عملی نگاه کنیم. بنابراین، اولین نکته در نیمه اول این توازی در فصل ۱۰

نیمه اول این است که قلب خود را ختنه کنید تا بتوانید نسبت به کلام خدا حساس باشید، تا بتوانید نسبت به رابطه با خدا حساس باشید تا بتوانید به خدا به روشی که او می‌خواهد پاسخ دهید، پاسخ دهید.

و دومین کاری که باید انجام دهید چیست؟ آیا از افرادی که در حاشیه جامعه هستند مراقبت می‌کنید؟ خدا این کار را انجام داده است، عدالت برای فقرا. شما هم باید این کار را انجام دهید.

بنابراین، ما با این توصیفات باشکوه خداوند شروع می‌کنیم. اعمال خداوند، خداوند اسرائیل را برگزیده است، اما او همچنین به مردم و فقرا اهمیت می‌دهد و به آنها عدالت می‌دهد. بنابراین، شما باید قلبی مهربان داشته باشید و از خدا تقلید کنید. همان کاری را که خدا انجام می‌دهد انجام دهید و از او الگو بگیرید و همچنین از فقرا مراقبت کنید.

تثنیه ۱۱ و تقویم کشاورزی

بنابراین، با توجه به این نکته، بیایید به فصل ۱۱ برویم. همانطور که به فصل ۱۱ می‌رویم، یک بار دیگر به تقویم نگاه خواهیم کرد. در سخنرانی قبلی، در مورد تقویم کشاورزی صحبت کردیم. بنابراین، زمینی که مردم در آن زندگی می‌کنند از ... پیروی می‌کند. یک نوع جریان بسیار خاص. این جریان ریتمی برای سال دارد. بنابراین، در حالی که ما زمان را بسیار خطی می‌دانیم، آنها زمان را چرخه‌ای می‌دانستند زیرا چرخه زمین هر سال تکرار می‌شود.

با ورود به فصل یازدهم و فکر کردن به تقویم، دوباره به این موضوع می‌پردازیم که چگونه قدرت خداوند که به مردم نشان داده شده است، باید واکنشی از عشق را برانگیزد. و به یاد خواهیم آورد که خداوند در بیابان از مردم حمایت کرد و این خاطرات قدرتمند هستند. ما در مورد به یاد آوردن و فراموش کردن صحبت کردیم. بنابراین، ما این را با خود به فصل یازدهم می‌آوریم، زیرا این نیز در اینجا بسیار مهم خواهد بود.

و در آیات ۸ و ۹، در فصل ۱۱، «احکام را نگاه دارید تا زمین را فتح کنید و روزهای خود را در زمین طولانی‌تر سازید.» همه اینها اکنون برای شما آشنا هستند. شما قبلاً شروع به شنیدن برخی از این مضامین کرده‌اید.

بیایید ادامه دهیم، پس من شروع می‌کنم. این مقدمه‌ی فصل ۱۱ بود، اما بیایید تا ۱۱ ادامه دهیم و آیات بیشتری بخوانیم و ببینیم چه چیزی می‌توانیم از آن استخراج کنیم.

تثنیه ۱۰:۱۱ - آب با پا در مصر

در آیه ۱۰ آمده است: «زیرا سرزمینی که برای تصرف آن وارد می‌شوید، مانند سرزمین مصر که از آن آمده‌اید، نیست. جایی که قبلاً بذر خود را می‌کاشتیم و آن را با پای خود مانند باغ سبزیجات می‌پاشیدیم.» من عاشق این یکی هستم. وقتی همه دانش‌آموزانم را در کلاس دارم، از همه می‌خواهم نسخه‌های مختلف انگلیسی و نسخه‌های کتاب مقدس را بخوانند، زیرا تنوع زیادی در نحوه ترجمه عبری این آیه وجود دارد. بنابراین، دوباره به گفته من، وقتی سرزمین مصر را توصیف می‌کند، می‌گوید: «مصر جایی است که قبلاً بذر خود را در آن می‌کاشتیم و آن را با پای خود مانند باغ سبزیجات آبیاری می‌کردیم.» خب، این گیج‌کننده به نظر می‌رسد. نمی‌دانم چند نفر از شما باغ‌های خود را با پاهایتان آبیاری می‌کنید، اما به نظر چیز بسیار عجیب و غیر معمولی می‌آید.

نکته جالب در این مورد، باز هم این است که مکان اهمیت پیدا می‌کند، جایی که درک موقعیت مکانی و تصاویری که نویسندگان کتاب مقدس از آنها استفاده می‌کنند، اهمیت پیدا می‌کند. زیرا اگر به مصر بروید و به نحوه باغبانی و کشاورزی آنها نگاه کنید، این موضوع بسیار منطقی به نظر می‌رسد.

حالا من گروهی از دانش‌آموزان را به مصر بردم، و ما در امتداد نیل رانندگی می‌کردیم. و ناگهان، این مزرعه را دیدم. و فریاد زدم که راننده اتوبوس بایستد. و این او را ترساند و وحشت‌زده کرد. و او اتوبوس را نگه داشت، و من بیرون پریدم، و این عکس را گرفتم. او خیلی گیج شده بود که چرا من این عکس را می‌گیرم اما برای من، این مثل تنبیه ۱۱ بود. چون اتفاقی که می‌افتد در مزارع است و چون کشاورزی در مصر بسیار آسان است، درست مثل دوران باستان. بنابراین آنها این کار را نکرده‌اند؛ همه کشاورزان به پیشرفت‌های تکنولوژیکی مدرن دست نیافته‌اند، زیرا اگر فقط یک قطعه زمین کوچک داشته باشید، هنوز هم پرورش غذا بسیار آسان است. بنابراین، اگر به یاد داشته باشید، در یکی از سخنرانی‌های قبلی، در مورد اینکه مصر چگونه یک جامعه رودخانه‌ای است صحبت کردم. بنابراین، کشاورزی زیادی درست در امتداد رودخانه نیل وجود دارد زیرا نیل هر ساله طغیان می‌کند و مقادیر زیادی خاک بسیار حاصلخیز و فوق‌العاده را بالا می‌کشد و رسوب می‌دهد. خب، تصویری که من در این صفحه به شما نشان می‌دهم پراز خاکی است که تیره و سیاه و غنی است. این خاک از رود نیل است.

خب، اگر به تصویر نگاه کنید، خواهید دید که این کشاورز خاص، شبکه‌ای از منطقه کشاورزی خود درست کرده است. بنابراین، او مربع‌های کوچکی دارد و سپس آنها را به صورت ردیفی درون مربع‌ها کاشته است. اما بین هر یک از این مستطیل‌ها یا مربع‌ها، یعنی قطعات زمین، یک گودال بسیار عمیق وجود دارد.

حالا، این کشاورز خاص زمینش درست کنار نیل است. و بنابراین برای آبیاری این منطقه، او در واقع به نیل می‌رود و می‌تواند آب را داخل گودال‌ها بریزد، و سپس آب این گودال‌های عمیق را پر می‌کند. وقتی

می‌خواهد یک بخش از مزرعه را آبیاری کند، تنها کاری که باید انجام دهد این است که از میان آن عبور کند و با پاشنه پایش، دیوار، این دیوار گلی داخل گودال را بشکافد. سپس تمام آب به داخل این مستطیل سرازیر می‌شود و مزارعش را آبیاری می‌کند. وقتی آبیاری آن تمام شد، او فقط دیوار گلی را به بالا هل می‌دهد، آب همچنان به پایین سرازیر می‌شود، و سپس می‌تواند آبیاری کند، یا می‌تواند بخش دیگری از مزرعه‌اش را آبیاری کند.

بنابراین، آبیاری با پا زمانی منطقی می‌شود که ببینید در طول تاریخ، در واقعیت، چگونه انجام می‌شده است. حتی اکنون، بخش‌هایی از کشاورزان مصری هنوز هم به این روش باغبانی می‌کنند.

حالا تنبیه می‌گوید یکی از نکات مربوط به یادآوری، به خط مقدم ذهن آوردن است. در این مورد مصر به خط مقدم ذهن آوردن است. و تنبیه قرار است مقایسه‌ای را آغاز کند. در واقع، این روند از قبل آغاز شده است، اما ما آن را به طور کامل خواهیم دید، جایی که تنبیه از این واقعیت آگاه است که در مصر، زندگی می‌تواند بسیار آسان باشد. بنابراین، در مصر، شما خاک دارید، آب دارید. می‌توانید این زمین کشاورزی را با پاهایتان آبیاری کنید. می‌توانید با حداقل تلاش خودتان یک باغ سبزیجات داشته باشید. می‌توانید خودتان را حفظ کنید. آن تصویر، آن اذعان به سرزمین مصر، عالی است، به جز مکان مصر؛ ایده بزرگتر مصر، خانه برده‌داری، این کوره آتشین ظلم و ستم است. نحوه کار جامعه، نحوه کار زمین با فرعون در بالا و همه این بردگان در پایین، آن نوع ساختار رهبری، برخلاف چیزی است که خدا می‌خواهد.

بنابراین، این مصر به عنوان مکانی برای مقایسه مطرح خواهد شد. شاید برای شما، با تلاش انسانی، تولید آن آسان بوده باشد. و حدس بزنید چه می‌شود، اسرائیل، سرزمینی که شما به آن می‌روید اصلاً شبیه این نیست.

تنبیه ۱۱:۱۱ زمین از آسمان، باران خدا را می‌نوشد

بنابراین، در مقایسه، آیه ۱۱ می‌گوید: «اما سرزمینی که شما برای تصرف آن از آن عبور خواهید کرد سرزمینی پر از تپه‌ها و دره‌ها، از باران آسمان آب می‌نوشد.» بنابراین، آب سرزمینی که آنها به آن وارد می‌شوند از باران تأمین می‌شود. هیچ منبع قابل اعتمادی مانند نیل برای تأمین آب وجود ندارد.

سرزمینی که خداوند، خدای شما، از آن مراقبت می‌کند. چشمان خداوند، خدای شما، همیشه از ابتدا تا انتهای سال بر آن است. «اگر تقویم کشاورزی، تصویری که قبلاً به شما نشان دادم را به خاطر داشته باشید ابتدای سال با باران‌های اولیه شروع می‌شود و انتهای سال با برداشت زیتون به پایان می‌رسد. بنابراین از ابتدا تا انتهای سال، چشمان خدا بر آن است.

در آیه ۱۳ آمده است: «اگر با اطاعت از فرامین من که امروز به شما امر می‌کنم، گوش فرا دهید تا خداوند، خدای خود را دوست داشته باشید و با تمام قلب و جان خود به او خدمت کنید، آنگاه او باران را برای زمین شما و فصول آن، باران اول و باران آخر، خواهد فرستاد.» باران اول به زمین اجازه می‌دهد تا نرم شود تا کشاورزان بتوانند از طریق شکافتن زمین، تا باران‌های آخر، که آخرین باران‌هایی هستند که می‌بارند، بقیه کشاورزی را به ثمر برسانند.

سه‌گانه‌ی کشاورزی: گندم، شراب و روغن

تا بتوانید غله، شراب تازه و روغن خود را جمع‌آوری کنید. «بسیار خوب، در تنبیه ۸ دیدیم که» نویسنده در واقع محصولات بسیار خاصی را که از زمین در چرخه کشاورزی آن حاصل می‌شود، فهرست می‌کند. بنابراین در فصل ۸، جو، گندم، انگور، انجیر، انار و زیتون را دیدیم.

حالا، قرار است یک سه‌گانه را ببینیم. می‌توانیم همه اینها را با گفتن محصولات غلات جو و گندم خلاصه کنیم. بنابراین، بیایید همه آن را گندم بنامیم - محصولات غلات. ما شروع میوه‌های تابستانی خود را با انگور در ماه اوت دریافت می‌کنیم. بنابراین، ما آن را شراب می‌نامیم. و در پایان برداشت، زیتون‌ها را داریم که به روغن فشرده می‌شوند. بنابراین، این گندم، شراب و روغن، سه‌گانه تنبیه است. این یک روش مختصر برای صحبت در مورد "و همه چیز" است.

بنابراین آیه ۱۴ را تکرار می‌کنم، پس این درباره خداست که «او باران زمین شما را در موسم خود خواهد فرستاد، باران اول و آخر را تا بتوانید غله، شراب و روغن خود را جمع کنید. او در مزارع شما برای گاوهایتان علف خواهد داد و شما خواهید خورد و سیر خواهید شد.» بنابراین، حتی گاوها نیز توسط خدا روزی داده می‌شوند.

مقایسه مصر با تکیه بر خدا در سرزمین

خب، تضاد چیست؟ تضاد این است که مصر جای بسیار آسانی برای شماسنت تا تلاش خود را به کار بگیرید و زنده بمانید و روی خودتان حساب کنید و بگویید تلاش من این را برای من انجام داد. سرزمینی که بنی‌اسرائیل به آن می‌روند، سرزمین خوبی با پتانسیل بسیار بالایی است، اما این سرزمین به خدا متکی است. خدا باران را فراهم می‌کند. خدا اجازه می‌دهد هر سال محصول به بار بیاید. خدا علف مزارع را به گاوها می‌دهد.

بنابراین، لازم است که مردم وقتی وارد سرزمین می‌شوند، یاد بگیرند که به خدا توکل کنند، همانطور که سرزمین به خدا توکل می‌کند. بنابراین، جایگاه آنها مهم است. آنجا مکانی چالش‌برانگیز خواهد بود. اما سرزمین به خدا توکل می‌کند و خدا روزی‌اش را می‌دهد. مردم نیز باید مانند سرزمین باشند و به خدا توکل کنند.

بنابراین، البته، این باید با یک هشدار همراه باشد. «مراقب باشید که دل‌هایتان فریب نخورد و از آن روی برنگردانید و خدایان دیگر را پرستش نکنید.» ما قبلاً هم این را شنیده‌ایم. این هشدار است که وقتی وارد می‌شوید و خدا هر آنچه را که نیاز دارید برایتان فراهم می‌کند، برنگردید و سپس تمام آن مزایا را به خدای دیگری نسبت ندهید، یا به خودتان و تلاش خودتان تکیه نکنید.

عقب‌نشینی: موسی در دشت‌های موآب

حالا، پایان فصل ۱۱ خیلی جالب است چون ما از این موعظه فاصله می‌گیریم. و بعد موسی می‌گوید می‌دانید چیست، من دارم به شما دستور العمل می‌دهم. این کاری است که باید انجام دهید. یک بار دیگر، ما به نوعی به عقب کشیده می‌شویم؛ ما تصور می‌کردیم که سرزمین چگونه به نظر می‌رسد و وقتی وارد آن می‌شویم چه اتفاقی خواهد افتاد. ما این مقایسه واقعاً خوب را بین زندگی آسان مصر، اگرچه جامعه آشفته و سرکوبگر است، با زندگی دشواری که بنی‌اسرائیل در آن قرار دارند، انجام داده‌ایم، و با این حال، این زندگی منعکس کننده خدا خواهد بود. بنابراین، ما این مقایسه اسرائیل/مصر را انجام داده‌ایم. ما تصویری از آنچه می‌تواند باشد وقتی مردم وارد آن سرزمین می‌شوند، ترسیم کرده‌ایم.

حالا یک بار دیگر، به موسی که در دشت‌های موآب ایستاده بود و با بنی‌اسرائیل صحبت می‌کرد و به آنها می‌گفت، «وقتی وارد این سرزمین می‌شوید، باید این عهد را تأیید کنید.» به عبارت دیگر، به سرزمین بروید و این عهدی را که با خدا در کوه سینا بستید، برای نسل بعدی نیز انجام دهید، اما این کار را در داخل سرزمین انجام دهید.

تصویب میثاق: کوه جرزیم و عیبال

بنابراین، به عنوان بخشی از دستور العمل‌ها، نقشه دیگری را به شما نشان خواهیم داد. ما این نقشه راه کوچک را دریافت می‌کنیم که موسی در آن مسیرهای بسیار مشخصی را پیدا می‌کند. اینگونه است که به کوه عیبال و کوه جرزیم می‌رسید. بنابراین، شما از اردن عبور می‌کنید، به سمت غرب مسیر غروب خورشید. بنابراین، خورشید در غرب غروب می‌کند. بنابراین، شما به سمت غرب به سمت غروب خورشید می‌روید. در سرزمین کنعانیان روبروی جلجال، کنار بلوط موره، جایی است که قرار است عیبال و جرزیم را پیدا کنید.

بنابراین، اگر بگوییم موسی و مردم اینجا هستند، این دستورالعمل‌ها ما را به این سمت سوق می‌دهند. بنابراین، من می‌خواهم مستقیماً به جایی که کوه عیال و جرزیم واقع شده‌اند، زوم کنم. روی این نقشه، این دره ریفت است. این منطقه سفید اینجا دره ریفت است. موسی و مردم درست در پایین نقشه، در پایین نقشه قرار دارند. من دو ستاره دارم. اینجا کوه عیال است. این کوه عیال در شمال است. و این خط زرد، اگر بتوانید این را در ویدیو ببینید، خط به این سمت حرکت می‌کند. این جاده اصلی در منطقه کوهستانی است. این یک جاده بین‌المللی نیست. شما کاروان‌های بزرگی از مسافران مصری را که از این جاده بالا و پایین می‌روند، نخواهید یافت. اما برای افرادی که در منطقه کوهستانی زندگی می‌کنند، این یک جاده بسیار مهم شمال-جنوب است.

بنابراین، دستورالعمل به بنی اسرائیل این است که وقتی وارد این سرزمین می‌شوید، این مکان کاملاً جدیدی برای شماست. وقتی وارد این مکان می‌شوید، به این دو کوه بروید و نیمی از قبایل را در جرزیم و نیمی دیگر را در عیال مستقر کنید و عهد را در آنجا تأیید کنید.

خب، بگذارید اگر واقعاً برویم و آنجا بایستیم، تصویری به شما نشان دهم. این ما خواهیم بود که از دره ریفت بالا می‌آییم و به جرزیم در جنوب و عیال در شمال نگاه می‌کنیم. بنابراین مردم را قرار دهید، نیمی از آنها روی این کوه و نیمی دیگر روی این کوه. درست در منطقه دشت مسطح جلوی کوه‌ها، جایی است که جاده باستانی به آنجا می‌رفته است.

اهمیت تصویب میثاق: مکان و خاطره

بنابراین، بیایید لحظه‌ای فکر کنیم که چرا این یک فرمان مهم برای مردم است. چرا آنها باید وارد شوند؟ چرا من باید عهد را تجدید می‌کردم؟ آیا آنها عهد را در سینا بستند؟ چرا باید دوباره آن را انجام دهند؟

خب، بیایید برای لحظه‌ای این ایده را در نظر بگیریم که مکان و خاطره به هم مرتبط هستند. آیا تا به حال این تجربه را داشته‌اید که مثلاً از شهری بازدید کنید که چندین سال است به آن نرفته‌اید؟ و در حال قدم زدن در پیاده‌رو هستید و همین که از پیاده‌رو به خیابان قدم می‌گذارید، یک خاطره‌ی ناگهانی به ذهنتان خطور می‌کند و... ها. آخرین باری که این پیاده‌روی را انجام دادم، کنار شانون قدم می‌زدم و داشتیم در مورد این کافه که سه بلوک آن طرف‌تر است صحبت می‌کردیم. نمی‌دانم آیا آن کافه هنوز آنجاست یا نه. آیا تا به حال چنین تجربه‌ای داشته‌اید؟ یا نمی‌دانم، گاهی اوقات می‌توانید به مکانی بروید و بویی را حس کنید و ناگهان، خاطره‌ای از ناکجاآباد بیرون می‌آید و شما به آن فکر نکرده‌اید و ناگهان، خاطره در خط مقدم ذهن شما قرار می‌گیرد، مانند اینکه، اوه بله، یادم آمد. این مکان چیزی را برای من جرقه زد.

خب، این یک ترکیب بسیار هدفمند است. منظورم این است که مکان‌ها، جغرافیا و آنچه در اطراف خود می‌بینیم، خاطراتی از اتفاقاتی که قبلاً در آنجا رخ داده است را در خود نگه می‌دارند و حفظ می‌کنند. حال، وقتی به بنی‌اسرائیل فکر می‌کنیم که به سرزمینی می‌روند و به این واقعیت فکر می‌کنیم که به آنها گفته شده است که به یاد داشته باشند. به یاد داشته باشید که خدا کیست؛ به یاد داشته باشید که او چه کرده است. انسان‌ها موجودات بسیار فراموشکاری هستند تا زمانی که به این ثابت نیاز داشته باشیم؛ چگونه می‌خواهیم این چیزها را به خاطر بسپاریم؟ خب، مکان‌ها می‌توانند به روشی بسیار قدرتمند برای کمک به ما در به خاطر سپردن تبدیل شوند.

و بنابراین، ما در کتاب تثنیه در فصل ۱۱ داریم، و ما سعی می‌کنیم این عهدهی را که با خدا بستیم به یاد بیاوریم، به جز اینکه کوه سینا خیلی دور است. حوریب خیلی دور است. در خط افق نزدیک ما نیست. ما قرار نیست در برهه‌ای از زمان از آن عبور کنیم. آن مکانی که آن خاطره را در خود جای داده است، از حوزه تجربه ما بسیار دور است.

فایده رفتن به جرزیم و عیبال این است که خاطره‌ای بسیار زنده ایجاد می‌کند و بنابراین شما به جای یک کوه، دو کوه دارید. اما این دو کوه، تجربه عهد را به کوه سینا، در حوریب، پیوند می‌دهند. بنابراین، جایی که مردم توافق اولیه را با خدا در حوریب انجام دادند، می‌توانند در جرزیم بایستند و عهد را تأیید کنند، و اکنون ما مکانی در خط افق نزدیک خود داریم که می‌تواند به عنوان یادآوری مداوم برکات و لعنت‌ها عمل کند.

و بنابراین، این دو کوه درست در جاده اصلی که در منطقه کوهستانی به سمت شمال و جنوب برای بنی‌اسرائیل می‌رود، قرار دارند. و همانطور که آنها در حال بالا و پایین رفتن هستند و با دیگران کالا مبادله می‌کنند، ایده‌آل این است که از جرزیم و عیبال عبور کنند و آنها را به عنوان کوه‌های بسیار چشمگیر و متمایز ببینند و بگویند، اوه، درست است! من به عهد فکر نمی‌کردم، اما اکنون به عهد فکر می‌کنم و به یاد می‌آورم نعمت‌ها و نفرین‌هایی با این عهد مرتبط هستند. و بنابراین، تجربه یک خاطره گذشته را به تجربه لحظه حال می‌آورد. بنابراین، به آوردن خاطره کمک می‌کند و خاطره را بسیار بیشتر در خط مقدم ذهن مردم قرار می‌دهد.

بنابراین مراسم واقعی که در آن دخیل است، در واقع نحوه انجام این پیمان، یک مراسم تصویب است. این در فصل ۲۷ برای ما نشان داده خواهد شد، اما دستورالعمل‌های مربوط به ورود و به خاطر سپردن و اتصال پیمان به این مکان، ابتدا در فصل ۱۱ آمده است.

سخنرانی بعدی که برای آن آماده می‌شویم کمی پیچیده‌تر خواهد بود. ما به فصل ۱۲ می‌رویم. و همینطور که به فصل‌های ۱۲ تا ۲۶ می‌رسیم، وارد بخش عمده‌ای از قانون می‌شویم. این زمانی است که بالاخره

قرار است در مورد نویسنده و هدف از نگارش کتاب تثنیه صحبت کنیم. بنابراین این موضوع در سخنرانی بعدی خواهد بود.

من دکتر سینتیا پارکر هستم و در مورد کتاب تثنیه تدریس می‌کنم. این جلسه ۵، تثنیه ۹ تا ۱۱ است